

تیسه به ریشه فوتبال

نگاه
دنیاچیدری

حفظ ریشه‌ها بدون شک حفظ اصالت فوتبال است و بپادادن به نسل جوانی که توانایی‌ها و استعداد‌های آن

می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت نه چندان دور باشد، بزرگ‌ترین لطف به فوتبال نسل جوان آن است. مسئله مهمی که البته طی سال‌های اخیر بای توجهی‌های فراوانی مواجه شده و زبان‌های فراوانی را از خود به جای گذاشته که مهم‌ترین آن نابودی تیم‌های ریشه‌دار و باصل و نسبی است که امروز چیزی بیش از یک نام یا خاطره از آن تیم‌ها باقی نمانده است. تیم‌های مطرح و ریشه‌داری که یا به تاریخ پیوسته‌اند یا اگر هم هنوز نتوانسته‌اند بقی خود را حفظ کنند در چنان جایگاهی قرار دارند که گویی هرگز در سطح اول فوتبال کشور نبوده و سابقه‌ای طول و دراز نداشته‌اند. تیم‌هایی چون ملوان بندر انزلی، چوکای تالش،ایرانجوان ، شاهین بوشهر، برق شیراز و… که نه فقط در سطح استان که در فوتبال ایران حرف‌های زیادی برای گفتن داشتند، اما طی سال‌های اخیر به دلیل عدم حمایت‌های اصولی و بی‌توجهی‌های مقامات استانی و فوتبالی جایگاه واقعی خود را از دست داده و به خاطر مها پیوسته یا در سطوح پایین فوتبال چون تیم‌های گمنام یا تازه وار و روزگار می‌گذرانند.

نگاه تجاری با چاشنی دلالی و لابی بازی بدون شک بزرگ‌ترین ضربه را در سال‌های اخیر به پیکره فوتبال به خصوص تیم‌های ریشه‌دار زده‌است. تیم‌هایی که بزرگ‌ترین راه برای سازندگی هر استانی بودند و نوشتن سرنوشت جوانان آن و گره زدن آنان با ورزش برای سلامتی هر چه بیشتر جامعه مهم‌تر از همه ایجاد اتحاد و همدلی بود. همان نکته‌ای که تیم‌های مطرح استانی سال‌ها بدک می کشیدند. تیم‌هایی که با کمال تأسف به واسطه بی توجهی‌ها و عدم حمایت‌های مناسب ریشه آنها خشکانده شد تا امروز شاهد ضربه‌های مهلکی در این راستا باشیم. ضربه‌هایی که نه فقط

فوتبال که جوانان هر استان نیز از آن آسیب‌ی جدی دیدند. هر چند هنوز هم برای تغییر دیدگاه‌های اشتباه و گرفتن دست فوتبال و جوانانی که می‌توانند زندگی و سرنوشت خود را از این راه به نمر برسانند و در مسیر موفقیت گام بردارند در نیست. دست مثل سال‌ها پیش که تیم‌های مطرح استانی نقشی بسیار مهم در سازندگی سرنوشت جوانان آن شهر و استان داشتند، جوانانی که گاه در میدان مسابقه لقب‌ای زندگی را می‌آموختند و گاه روی سسکوها به عنوان تماشاگر انسانیت را یاد می‌گرفتند و آن را سرلوحه خود قرار می‌دادند. جوانانی که امروز می‌توانند سرنوشت خود را جایی دور از ورزش و جدا از فوتبال رقم بزنند. آن‌هم فقط به این دلیل که مسئولان استانی در لابه‌لای دغدغه‌های خودنگاهی که باید به آنها نثارند و نمی‌خواهند به خود بقیولاند که با حمایتی اندک و سرمایه‌گذاری کوچک می‌توانند به اهداف بزرگی دست یابند. شاید همچنان در گیر مسائل پیش پا افتاده و دغدغه‌های خود هستند که دیگر فرصتی برای آندیشیدن به جامعه جوان و نیازهای آن و سرمایه‌گذاری زودبازه در ورزش ندارند. نگاه ندرستی که در سال‌های اخیر بزرگ‌ترین لطمه را به فوتبال استانی و تیم‌های ریشه‌دار و مطرحی زده که هر کدام می‌توانند به تنهایی تأثیری بسزا در آینده جوانان یک کشور داشته باشند. اما چه سود که این مهم سال‌هاست مورد کم لطفی قرار گرفته و اهمیتی آن به دست فراموشی سپرده شده است.



پدیده‌ای که باید همه گیر باشد ولی نیست

فوتبال در انحصار ۴ استان!

کاشیه
فردیون حسن

فوتبال به‌عنوان یک پدیده در برگیرنده

اجتماعی می‌تواند تمامی پدیده‌های دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار دهد.

می‌تواند ریز و درشت یک کشور را درگیر کند. فوتبال می‌تواند زیردست

را بالاتر از مافوق بشمارد و این حقیقتی است انکارناپذیر که نمونه‌های

زیادی را می‌توان از آن در سراسر دنیا سراغ گرفت.

به‌ترین مثال فوتبال انگلستان است. جایی که تقریباً تمامی شهرها و مناطق آن دارای یک تیم فوتبال هستند. آن‌هم تیم‌هایی که حرف برای گفتن دارند و گاهی چنان نتایجی به دست می‌آورند که دنیای فوتبال را متعجب می‌کند. جام اتحادیه فوتبال انگلیس تا دلناتن بخواهد از این دست نتایج را در تاریخ خود دارد، چه تیم‌های دسته چندی که بزرگانی چون منچستر یونایتد، لیورپول، آرسنال و چلسی را به چالش نکشیده و حذف نکرده‌اند. این اتفاقی است که در فوتبال انگلستان و بسیاری از کشورهای اروپایی صاحب فوتبال رخ می‌دهد، اما اینجا و در ایران به‌رغم اینکه نزدیک به ۷۰ سال از شکل‌گیری باشگاه‌ها و فوتبال باشگاهی ولیگ آن می‌گذرد هنوز هستند شهرستان‌ها و استان‌هایی که رنگ تیمداری و حضور در سطح اول، دوم یا حتی سوم فوتبال را به خود ندیده‌اند. مسئله‌ای که کاملاً با اصول حرف‌های گری فوتبال دنیا در تضاد است.

توزیع نامعادله

در طول تاریخ فوتبال ایران بیشترین سهمیه حضور در سطح اول رقابت‌های باشگاهی در انحصار چند استان خاص بوده است. تهران، اصفهان، خوزستان و آذربایجان شرقی معمولاً بیشترین سهمیه‌ها را داشته‌اند و استان‌هایی نظیر گیلان، مازندران و خراسان رضوی نیز اغلب با داشتن تک نماینده‌هایی پای ثابت رفت و آمد به این سطح فوتبال کشور بوده‌اند. اما قسمت در داور ماجرا اینجاست که برخی استان‌های بزرگ و پرجمعیت کشور به‌نوارمان نه تنها هیچ‌گاه هیچ تیمی در سطح اول فوتبال کشور نداشته‌اند، بلکه حتی از داشتن تیم و زیرساخت نیز محروم هستند. سیستان و بلوچستان، خراسان‌های جنوبی و شمالی، سمنان، آذربایجان غربی، کرمانشاه، هرمزگان، یزد و کردستان از جمله این استان‌ها هستند که فوتبال هنوز نتوانسته است حق آنها را ادا کند. به هر صورت فوتبال به‌عنوان یک پدیده اجتماعی تأثیرگذار که می‌تواند به لحاظ روحی، روانی و نشاط‌آفرینی نقش مهمی به خصوص بر روحی قشر جوان داشته باشد در کشور ما منحصراً به چند استان شده است، هر چند برای فراتر بردن شدن این پدیده نیاز به زیرساخت و امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری زیاد است و بعید به نظر می‌رسد با مدیریت ناکارآمد و پرمشکل امروز حاکم بر فوتبال این رؤیا تحقق یابد، اما به هر حال این دورنمایی است که باید به آن رسید، باید شرایطی فراهم شود که استان‌های محروم قدرت تیمداری و حضور در سطح اول فوتبال کشور را پیدا کنند و روزی برسد که حداقل هر استان با یک تیم در لیگ برتر حضور داشته باشد.

دلایل نزول باشگاه‌های قدیمی و پرسابقه فوتبال ایران در گفت‌وگو با محمود یآوری

نابودی تیم‌های ریشه‌دار، آسیب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد

تومان قهرمان ایران کنیم، اما الان بسا ۸میلیارد هم نمی‌توانید سپاهان را دوباره به جمع تیم‌های مدعی برگردانید! تفاوت‌ها در حال حاضر از زمین تا آسمان است. مدیرانی هم که خواسته‌اند برای فوتبال هزینه کنند مانند شفیع زاده‌ها و میلیونی‌ری که در کرمانشاه تیمداری کرد، بر خوردی با آنها شد که پشیمان شدند و الان ببینید کجا هستند؟ مدیر سر از زندان و تیمارستان سر در می‌آورد!

نزول و نابودی باشگاه‌های ریشه‌دار چه ضرباتی به جامعه می‌زند؟

یک مثال می‌زنم و شما با شنیدن همین مثال تا ته خط روید. زمانی که شیراز بودیم و من و آقای شرقی سرمربی‌های برق و فجر بودیم و وضعیت دو تیم هم خوب بود. در جلسسه‌ای که با رئیس وقت شهرنامی داشتیم به ایشان که هم لباس و همکار من نیز بودند گفتم من خودم مفاسد اجتماعی، مبارزه با مواد مخدر، رئیس زندان و… بوده‌ام، می‌خواستم از شما پرسم الان با توجه به اینکه دو باشگاه شیرازی در لیگ خیلی خوب کار می‌کنند، وضعیت به‌هکاری و فساد نسبت به زمانی که این دو تیم فعالیت نداشتند، تغییر کرده است؟ رئیس شهرنامی گفت بین آقای سآوری، ۹۰ درصد تغییر کرده و الان پرونده‌های پاسگاه‌ها خیلی کم شده و مراجعات کمتر شده است، چرا که مردم مشغول تماشای بازی‌ها هستند و راجع به آن از این هفته تا هفته دیگر بحث می‌کنند که جمعه بازی می‌کنیم و برق پیروز می‌شد، مردم تا مسابقه دیگر خوشحال بودند و عشق می‌کردند و در زندگی روزمرشان تأثیر داشت.

این بر خلاف تیم‌هایی مانند نفت، سایپا، پیکان و… است که برد و باختشان در جامعه با توجه به اینکه هوادار ندارند، تأثیری ندارد. حساب تیم‌های ریشه‌دار جداست. یک ابومسلم می‌گفتند و یک خراسان، اکبر اوتی اوت می‌نذاخت ۵۰ متر، همه ذوق می‌کردند، این هوادار نان نداشت اما با فوتبال و تیم ابومسلم عشق می‌کرد. با باشگاهی مانند ملوان که بهمن صالح نیا و غفور جهانی عمرشان را برای این تیم گذاشتند و امروز چون پاک فوتبال بازی کرده و مربیگری کردند، نشان به نیتکی یاد می‌شود.

حرف و نکته‌های اگر باقی مانده است بیان بفرمایید.

راه فوتبال ایران به سوی ترکستان است. در حال حاضر باشگاه‌های بزرگ دنیا با بازیکنان و اسطوره‌هایشان قدرشناسی می‌کنند و تیمی مثل بایرن آامسطوره‌هایی مثل رومبگه یا اولی هویسن در پست‌های مدیریتی استفاده می‌کند یا بایسکسوتان هر باشگاه در استخدام جایگاه مخصوصشان را دارند، اما اینجا من یآوری با این همه سابقه در فوتبال و روز شگانه نمی‌روم از ترس اینکه من رانشناسانم این درد فوتبال است که باید ریشه‌یابی شود.



ابومسلم و برق شیراز سال‌هاست در سطح اول فوتبال هستند

به این وضعیت تأثیر زیادی داشت. مانند گذشته نبود که یک مدیر از بدنه باشگاه انتخاب شود، بلکه بر اساس روابط سازمانی مدیر پست می‌گرفت. شما نگاه کنید باشگاه نفت تهران به کجا رسیده است؟ امروز این مدیر می‌آید، فردا می‌رود و آن مدیر دیگر می‌آید. در صورتی که در قدیم مدیرت باشگاه ریشه‌ای بود، اما امروز ورود پول‌های نامقبول در فوتبال مدام با پایین می‌کند.

می‌شود اینطور برداشت کرد که به اعتقاد شما افتادن مدیرت فوتبال دست غیر فوتبالی‌ها، فوتبال را به اینجا رسانده است؟

باید کار به کاردان سپرده شود، مانند کشتی از وقتی افتاد دست آقای خادم، مسیر درست را این رشته طی کرد. پول از نوع نامقبولش همراه با مدیریت‌هایی که ریشه‌دار نیستند، فوتبال را به این جایگاه رسانده است. برخی مدیران هستند که

بر خلاف نظر مربی و بدون اینکه نظرشان را جویا شوند باز یکن حربه‌جا می‌کنند و قرار داد می‌بندند. در حال حاضر مدبری که از بدنه باشگاه و فوتبالی باشد در مدیریت باشگاه‌های کشور مان واقعا



علی سزینبند استا

د

باید کار به کاردان سپرده شود، مانند کشتی از وقتی افتاد دست آقای خادم، این رشته مسیر درست را طی کرد. پول از نوع نامقبولش همراه با مدیرت‌هایی که ریشه‌دار نیستند، فوتبال را به این جایگاه رسانده است

نگاهی به وضعیت تیم‌های قدیمی فوتبال ایران

۷ تیم طلایی که افول کردند



تیم فوتبال آذربایجان محسوب می‌شود. بهترین عنوان این تیم در لیگ آزادگان در سال ۷۳ و با هدایت مرحوم ناصر حجازی به دست آمد و با کسب مقام سومی در لیگ، لقب بهترین تیم شهرستان به مایشین‌سازی رسید، اما در سال ۷۵ ماشین‌سازی به دسته دوم سقوط کرد تا اینکه در سال ۹۵ و پس از ۲۰ سال این تیم قدیمی به سطح اول فوتبال ایران و لیگ برتر بازگشت. ماشین‌سازی دو سال پیش از تأسیس باشگاه تراکتورسازی کار خود را آغاز کرد. این تیم بازیکنان و مربیان بنام و زیادی از جمله مرحوم ناصر حجازی، سیروس دین محمدی، احد شیخ‌لاری، اکبر استاداسدی، علیرضا اکبرپور، مرحوم علی مسودت، غلامرضا باغ‌آبادی، حسن روشن، عباس اسدزاده، گازیگ محرابیان، بیوک صیباغی و… را به خود دیده است. کمبود اعتبارات همواره یکی از مشکلات

د

ابومسلم در ۹ دوره لیگ برتر حضور داشت و در سال ۸۷ نیز به مقام چهارمی رسید. سوءمدیریت و مشکلات عدیده این باشگاه ریشه‌دار را به فرط نابودی کشیده تا جایی که ابومسلم به لیگ دسته سوم تبعید شده است

لیگ برتری بپیوندد. در حال حاضر نیز سفیدپوشان در رده هشتم لیگ آزادگان قرار دارند.

ماشین سازی

این تیم در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد و قدیمی‌ترین

د

لیگ برتری بپیوندد. در حال حاضر نیز سفیدپوشان در رده هشتم لیگ آزادگان قرار دارند.

ماشین سازی

این تیم در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد و قدیمی‌ترین

تیم فوتبال آذربایجان محسوب می‌شود. بهترین عنوان این تیم در لیگ آزادگان در سال ۷۳ و با هدایت مرحوم ناصر حجازی به دست آمد و با کسب مقام سومی در لیگ، لقب بهترین تیم شهرستان به مایشین‌سازی رسید، اما در سال ۷۵ ماشین‌سازی به دسته دوم سقوط کرد تا اینکه در سال ۹۵ و پس از ۲۰ سال این تیم قدیمی به سطح اول فوتبال ایران و لیگ برتر بازگشت. ماشین‌سازی دو سال پیش از تأسیس باشگاه تراکتورسازی کار خود را آغاز کرد. این تیم بازیکنان و مربیان بنام و زیادی از جمله مرحوم ناصر حجازی، سیروس دین محمدی، احد شیخ‌لاری، اکبر استاداسدی، علیرضا اکبرپور، مرحوم علی مسودت، غلامرضا باغ‌آبادی، حسن روشن، عباس اسدزاده، گازیگ محرابیان، بیوک صیباغی و… را به خود دیده است. کمبود اعتبارات همواره یکی از مشکلات

ماشین‌سازان بوده است. در سال ۸۷ این تیم تا مرز انحلال پیش رفت و پس از آن مدیریت باشگاه به ترتیب به سازمان تربیت بدنی، نماینده شورای شهر تبریز، مؤسسه قرض‌الحسنه جوانان خیر و شهرداری تبریز واگذار شد. ماشین‌سازان در لیگ دسته اول در رده پانزدهم ایستاده‌اند.

شاهین بوشهر

یکی از پرطرفدارترین تیم‌های فوتبال جنوب ایران است که در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد. برخی مسائل سیاسی به تغییر نام این باشگاه منجر شد، اما با پیروزی انقلاب اسلامی شاهینی‌ها با همین نام به حضور در فوتبال ادامه دادند. اولین حضور شاهین در لیگ آزادگان به سال ۱۳۷۲ برمی‌گردد. پس از آن این تیم در دسته‌های پایین‌تر حضور داشت و در سال ۸۸ به لیگ برتر صعود کرد. پس از سه فصل بقادر لیگ برتر سقوط آزاد شاهین شروع

لیگ برتری بپیوندد. در حال حاضر نیز سفیدپوشان در رده هشتم لیگ آزادگان قرار دارند.

ماشین سازی

این تیم در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد و قدیمی‌ترین

شد و این تیم بوشهری هم اکنون در لیگ دسته دوم فعال است.

ابومسلم خراسان

مطرح‌ترین تیم فوتبالی در شرق ایران است که در سال ۱۳۴۹ راه اندازی شد. این تیم هم طرفداران زیادی دارد و سابقه شرکت در لیگ تحت جمشید را نیز داشته است. از سال ۷۵ نیز در لیگ دسته دوم حضور پیدا کرد و رفته‌رفته با صعود به دسته‌های بالاتر یکی از مدعیان شهرستانی به شمار می‌رفت. ابومسلم در ۹ دوره لیگ برتر حضور داشت و در سال ۸۷ نیز به مقام چهارمی رسید. در سال ۸۹ این تیم به دسته پایین‌تر سقوط کرد. سوءمدیریت و مشکلات عدیده این باشگاه ریشه‌دار را به فرط نابودی کشیده تا جایی که ابومسلم به لیگ دسته سوم تبعید شده است.

سنجایی مازندران

باشگاهی پرطرفدار و مردمی در سال ۱۳۳۸ در شهر قائم شهر تأسیس و به یکی از قطب‌های فوتبال ایران در منطقه شمال تبدیل شد. این تیم با جذب استعداد‌های جوان در این منطقه در لیگ‌های جام قدس و جام آزادگان حضوری فعال داشت و یکی از مدعیان به حساب می‌آمد. مشکلات مالی کارخانه نساجی همواره تأثیر مستقیمی روی تیم گذاشته و مدیریت باشگاه را بارها دستخوش تغییرات کرده است. صعود به لیگ برتر از روی بزرگ هواداران نساجی است که تاکنون به دلایل مختلف محقق نشده است. این فصل نیز نساجی در لیگ دسته یک آزادگان در رده سوم جدول قرار دارد.

ایرانجوان بوشهر

این تیم را باید یکی از قدیمی‌ترین تیم‌های فوتبال ایران نامید؛ چراکه تیم ایرانجوان در سال ۱۳۱۴ تشکیل شد و با تأخیر زیاد در سال ۱۳۲۷ به ثبت رسید. ایرانجوان سابقه زیادی از حضور در مسابقات جام تخت جمشید، لیگ آزادگان، دسته اول و دسته دوم و زیر گروه واردار، ایرانجوان امسال هم در لیگ دسته یک آزادگان حاضر است و با باقر گرفتن در رده شانزدهم جدول یکی از مدعیان سقوط به دسته پایین‌تر است.